



آموزش کارآفرینانه: رویکردی جدید در آموزش کودکان پیش دبستانی

Entrepreneurial Education as a New Approach to Preschool Education

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/ ۱۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/ ۲۳

B. Sabzeh (Ph. D)

بتول سبزه^۱

Abstract: The purpose of this study was to investigate entrepreneurial education as a new approach to preschool education. This study is considered as a qualitative research type and the method employed included "Speculation" or "Speculative Essay". The data for the present study was collected using the documents review tools and the "Karsul" Thinking method was used for data analysis. According to this study, three groups of teaching-learning methods including: a) teaching-learning methods based on games and activities for children; b) teaching-learning methods based on projects, real life experience, exploration and excavation; and c) creativity and art teaching-learning methods have been chosen as the best practices in entrepreneurship education as a new approach to preschool children education. An entrepreneurial approach supports the full development of children in order to expand their capabilities in the form of an entrepreneurial lifestyle as necessary for their current and adult lives.

Keywords: entrepreneurship training methods, entrepreneurial approach, preschool children

چکیده: هدف این مقاله معرفی «آموزش کارآفرینانه» به عنوان رویکردی جدید در آموزش کودکان پیش دبستانی است. در اقدام به تدوین مقاله، در چهارچوب رویکرد کیفی از روش «نظرورسی» یا «جستار نظرورزان» استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق بررسی مستندات جمع آوری و برای تحلیل آنها از روش «کرسول» استفاده شد. تحلیل‌ها نشان داد که روش‌های یاددهی - یادگیری برای آموزش کارآفرینانه در دوره پیش‌دبستانی را می‌توان تحت سه طبقه معرفی کرد: «روش‌های مبتنی بر بازی و فعالیت کودک»، «روش‌های مبتنی بر انجام پروژه، کسب تجارب مبتنی بر زندگی واقعی، اکتشاف و کاوشگری» و «روش‌های مبتنی بر خلاقیت و هنر» به عنوان روش‌های مطلوب رویکرد «آموزش کارآفرینانه».

کلیدواژه‌ها: روش‌های آموزش کارآفرینی، رویکردهای کارآفرینی، کودکان پیش دبستانی



مقدمه

در سال‌های اخیر موضوع آموزش کارآفرینی بسیار گسترده شده است و فقط منحصر و محدود به حوزه کسب و کار نیست، بلکه آموزش آن از طریق اهداف و آرمان‌های سیاسی و اقتصادی وارد محیط‌های آموزشی و مدارس شده است و این امر در سراسر جهان تأثیر گسترده‌ای بر برنامه‌های آموزشی هم در مباحث تئوری و هم در عمل به جا گذاشته است. امروزه بحث و نظرهای فراوانی درباره آموزش کارآفرینی بین محققان در خصوص اینکه آیا می‌توان کارآفرینی را آموزش داد (کرولیسکی و والستد، ۱۹۹۸؛ کرولیسکی و کارلسون^۱، ۱۹۹۶) یا این که افراد با صفات و خصوصیات کارآفرینانه به دنیا می‌آیند (کانینگهام و لیشرن^۲، ۱۹۹۱)، مطرح شده و شواهد تجربی بسیاری گردآوری و تدوین شده است (به نقل از سبزه، ۱۳۹۴: ۱۱۷). از طرف دیگر موضوع آموزش کارآفرینی از اوایل کودکی به طور جدی مورد بحث و توجه قرار گرفته است. جوهانیسون^۳ (۲۰۱۱)، اظهار داشته که کودکان به طور طبیعی کارآفرین به دنیا می‌آیند و این وظیفه مدارس است که توانایی‌های کارآفرینانه کودکان را توسعه و بسط دهند. از سال ۱۹۹۷ تاکنون، افراد بسیاری از قبیل (گرمن، هانلن و کینگ^۴، ۱۹۹۷) تحقیقات گسترده‌ای در خصوص آموزش کارآفرینی در سطح دانشگاه و برای بزرگسالان انجام داده‌اند، اما تحقیقات بسیار اندکی از مراحل اولیه آموزش صحبت کرده‌اند، از این رو نقش مهم و اجباری مدارس، اغلب مورد غفلت واقع شده است (فاجز، ورنر و وایلو^۵، ۲۰۰۸).

از جمله کشورهایی که در زمینه آموزش کارآفرینی کودکان اقدامات مؤثری انجام داده یا در دست اجرا دارند، می‌توان به کشورهای لوگزامبورگ (۲۰۱۲)، ایرلند (۲۰۱۲)، قبرس (۲۰۱۲)، اسپانیا (۲۰۱۱)، سوئد (۲۰۱۲)، ایسلند (۲۰۱۲)، لهستان (۲۰۱۲)، بلغارستان (۲۰۱۲)، اتریش (۲۰۰۴)، رومانی (۲۰۰۸)، مالت (۲۰۱۱)، لتونی (۲۰۱۰) و فنلاند اشاره کرد که همگام با برنامه طولانی مدت کمیسیون اتحادیه اروپا^۶ از سال ۲۰۰۶ تا پایان سال ۲۰۲۰، در راستای

-
1. Kourilsky And Walstad, Kourilsky And Carlson
 2. Cunnigham And Lischeron
 3. Johannisson
 4. Gorman, Hanlon & King
 5. Fuchs, Werner & Wallau
 6. The European Commission

حمایت و توسعه آموزش کارآفرینی با هدف افزایش خلاقیت و نوآوری در تمام سطوح آموزش و پرورش از جمله سطوح پیش دبستان و ابتدایی شروع به کار کرده و تغییراتی در رویکرد آموزشی خود به وجود آورده‌اند (بورجوئیس، به نقل از ای.آ.سی.ای.آ، ۲۰۱۲).

برخی از این کشورها آموزش کارآفرینی را به صورت اجباری و برخی دیگر به صورت تلفیقی با دروس مختلف با رویکردی کارآفرینانه به کودکان ارائه می‌کنند. به طور کلی، حدود دو سوم از کشورهای اروپایی به صراحت، ضرورت آموزش کارآفرینی را تشخیص داده و آن را وارد برنامه‌های درسی ملی خود در دوره پیش دبستان و ابتدایی کرده‌اند.

به طور ویژه و خاص در کشورهای فنلاند و سوئد، دوران کودکی، به عنوان مرحله‌ای ایده‌آل برای تأثیر و نفوذ در شکل‌گیری شخصیت کارآفرینانه و ایجاد نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی کودکان در نظر گرفته شده و پیش دبستانی به منزله نقطه آغاز و مرحله حساس در شروع آموزش کارآفرینی، به عنوان یک سیاست عمومی مورد توجه جدی قرار گرفته است (اکسلسون، هوگلند و سندبرگ، ۲۰۱۵: ۴۰).

در کشور ایران، به خصوص در نظام آموزش و پرورش، از جمله اقداماتی که تا کنون صورت گرفته، می‌توان به برگزاری همایش‌ها، گردهمایی‌ها و همچنین تهیه و تدوین دروس مرتبط با کارآفرینی برای دانش‌آموزان پایه‌های ششم تا دوازدهم اشاره نمود. علاوه بر این فعالیت‌هایی در قالب طرح‌های کسب و کار کودکان، با عنوان «طرح ملی آموزش‌های کاربردی و عملی با رویکرد کارآفرینی به کودکان در مهدکودک‌های سراسر کشور» در سال ۱۳۸۷ و طرح ملی «مهدکودک خلاقیت و کارآفرینی» در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد که با تلاش سازمان بهزیستی و وزارت کار و امور اجتماعی انجام گرفته، اما متأسفانه بنا به دلایل نامشخصی ناتمام مانده است. علاوه بر این در حال حاضر دانشگاه‌ها، مؤسسات خصوصی و افراد علاقمند به حوزه کارآفرینی، اقدام به برگزاری دوره‌ها و طرح‌های مختلفی در حوزه

آموزش کارآفرینی کودکان نموده‌اند^۱ که همگی نشان دهنده اهمیت و حساسیت این موضوع و مایه دلگرمی است.

یک نگاه اساسی در همه کشورها در خصوص آموزش کارآفرینی این است که مدارس باید در چهارچوب یکسان و مشخصی در راستای بهسازی و پیشرفت آموزش کارآفرینی به کودکان تلاش نمایند (اسکولورکت، ۲۰۱۰)، که این امر از طریق افزایش تعامل و همکاری بین مدارس و محیط اجتماعی اطراف آنها، تغییر شیوه‌های تدریس و فرایند یادگیری، تشویق کودکان و دانش‌آموزان خلاق و نوآور و تغییر نگرش‌های کارآفرینی در آنان میسر می‌شود (اسودبرگ^۲، ۲۰۰۷؛ به نقل از اکسلسون، هوگلند و سندبرگ، ۲۰۱۵: ۴۵). در این راستا تحقیق اسکولورکت (۲۰۱۱) با عنوان «برنامه درسی برای مدارس اجباری، کلاس‌های پیش دبستانی و مراکز اوقات فراغت کودکان استکهلم»، نشان داده است که یکی از وظایف مهم مدارس در راستای توسعه مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه در کودکان؛ توسعه نگرش منسجم و منطقی کودکان از طریق تحریک خلاقیت آنها، تقویت حس کنجکاوی و افزایش اعتماد به نفس در آنهاست به طوری که قادر به بیان عقاید خود به نحو مطلوب باشند، مسائل خود را به شیوه‌های مختلف حل کرده و همچنین فرصت‌هایی برای ابتکار و خلاقیت داشته باشند و این توانایی‌ها را در راستای انجام کار به صورت مستقل و یا در هنگام مشارکت با دیگران افزایش و توسعه دهند (اسکولورکت، ۲۰۱۱: ۱۱).

همچنین تحقیق سیکولا، لینو^۳ (۲۰۱۱) با عنوان «اجرای آموزش‌های کارآفرینی از طریق اصلاح برنامه‌های درسی در مدارس جامع فنلاند» نشان داده است که شروع آموزش از دوره پیش از دبستان، یک فرصت خاص و ویژه برای دانش‌آموزان و کودکان خردسال فراهم می‌آورد و به عنوان مرحله‌ای ایده‌آل برای تعلیم و توسعه نگرش مثبت کارآفرینانه در آنان محسوب می‌شود.

۱. برای مثال می‌توان از طرح تحقیقی کاشف توسط دکتر زعفریان، مدرسه کسب و کار دانشگاه شریف با مدیریت دکتر علیرضا فیض بخش و طرح غنی سازی برنامه درسی مدارس براساس رویکرد کارآفرینانه توسط دکتر بتول سبزه و با حمایت موسسه آموزشی مهدوی و غیره نام برد.

2. Svedberg
3. Seikkula Leino

تحقیق لفلر (۲۰۱۴) با عنوان «بررسی نتایج یادگیری مشارکتی (پروژه) و موضوعات مدرسه» نشان داده است که در آموزش مفهوم کارآفرینی، روش‌های آموزشی، به شرایط و محیط آموزشی، حل مسائل در محیط مدرسه و نیازهایی که در سطح فردی مطرح است، مربوط می‌شود.

تحقیق ساریکیا و کاسکان^۱ (۲۰۱۵) با عنوان «آموزش کارآفرینی اجتماعی به عنوان رویکردی جدید در آموزش پیش دبستان» نشان داده است که آموزش‌های دوره پیش از دبستان برای حمایت و شکل‌گیری احساس مثبت نسبت به خود در حیطه عاطفی، اجتماعی، شناختی، فیزیکی و کلامی بسیار پراهمیت هستند و برای رسیدن به این مهم باید از روش‌های آموزشی جدیدی استفاده نمود که یکی از بهترین این روش‌ها آموزش کارآفرینی اجتماعی است که امکان توسعه توانمندی‌های مختلف کودکان را فراهم می‌نماید و آنها را قادر می‌سازد برای مشکلات اجتماعی خود از راه‌حل‌های نوآورانه استفاده نمایند. همچنین در این تحقیق نشان داده شده است که استفاده از رویکرد آموزشی کارآفرینی اجتماعی باعث افزایش همدلی، تفکر منطقی، استقلال و خودکفایی در کودکان پیش دبستانی می‌گردد.

تحقیق جوووا، چک و دودا^۲ (۲۰۱۷) با عنوان «آموزش کارآفرینی: یک چالش برای تمرین مدرسه» با هدف، بررسی روش‌ها و متدهای آموزش کارآفرینی برای به کارگیری ایده‌های کارآمد و اصلی در آموزش مدرسه، به این نتیجه رسیدند که نقش معلمان در روند اجرای آموزش کارآفرینی تغییر می‌کند و آنها باید مطابق با رویکردهای تدریس مدرن، به عنوان مشاور و هماهنگ کننده فعالیت‌های دانش‌آموزان ایفای نقش کنند تا دانش‌آموزان فرصت کافی برای خودمختاری، مسئولیت پذیری و انعطاف پذیری در مواجهه با مشکلات را یاد بگیرند. به عبارت دیگر نتایج این تحقیق نشان داد که به کارگیری رویکرد کارآفرینانه در آموزش کودکان باعث افزایش مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطی، خطر پذیری در شرایط غیر قابل انتظار و سواد عملی آنها می‌شود.

1. Sarikaya , Coskun
2. Alena Jůvová – Tomáš Čech – Ondřej Duda

تحقیق راسکوارا، پیکالا، ریتکولا و سیکولا لینو^۱ (۲۰۱۰) با عنوان «مطالعه رویکردهای کار و روش‌های تدریس معلمان در آموزش کارآفرینی» نشان داد که بیشترین شیوه‌های مورد استفاده توسط معلمان شامل روش‌های یادگیری از طریق انجام دادن، یادگیری مسئله‌محور، کارگروهی و جمعی، داستان‌های کارآفرینانه، روایت‌ها و گفتگوها تشخیص داده شدند.

تحقیق آراستی، قدوسی و باقری (۱۳۹۵) با عنوان «تأثیر آموزش کارآفرینی از طریق داستان سرایی بر نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان ابتدایی» نشان داده است که روش داستان سرایی یکی از روش‌های آموزش مؤثر کارآفرینی است که موجب تقویت خلاقیت، میل به موفقیت، کنترل درونی و عزت نفس در کودکان می‌شود.

تحقیق صفاران و خسروانی زنگنه (۱۳۹۴) با عنوان «تأثیر آموزش هنر در رشد خلاقیت، نوآوری و ارتقای سطح مهارت‌های کارآفرینی کودکان پیش دبستانی» نشان داده است که نوآوری و خلاقیت از شاخص‌های اصلی کارآفرینی است و آموزش هنرهای تجسمی می‌تواند بر همه ابعاد خلاقیت کودکان و ارتقای مهارت‌های کارآفرینی آنان تأثیرگذار باشد.

تحقیق سبزه (۱۳۹۴) با عنوان «طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش دبستانی و ارزشیابی آن از نظر متخصصان مربوطه» ضمن آنکه عناصر اصلی برنامه درسی را بر اساس سه مولفه اصلی کارآفرینی (دانش، نگرش و مهارت) برای کودکان تنظیم و اعتباریابی نموده است، نشان داده است که در بین عناصر برنامه درسی، روش‌های تدریس به عنوان یکی از مهمترین عناصر برنامه آموزش کارآفرینی به شمار می‌آید و روش‌هایی از قبیل بازی‌های خلاق، انجام فعالیت‌های عملی به روش فعال و سازمان یافته، انجام پروژه‌ها و مشارکت گروهی، دست ورزی، قصه گوئی و نمایش خلاق، شعرخوانی و سرود همگی از جمله روش‌های مؤثر آموزش کارآفرینی به کودکان هستند.

چنان که از نتایج تحقیقات ذکر شده استنباط می‌شود، دوران کودکی به عنوان دوره‌ای مهم و حساس برای شروع آموزش کارآفرینی و ایجاد نگرش و مهارت‌های کارآفرینانه محسوب می‌شود. لذا برای پرداختن به این مهم نیازمند ایجاد تغییراتی اساسی در رویکردهای آموزش و یادگیری کودکان هستیم. این تحقیق برآن است تا به بررسی و معرفی رویکردی پردازد که از

1. Ruskovaara, E., Pihkala, T., Rytkola, T., & Seikkula-Leino, J

طریق آن محتوا و موضوعات مختلف آموزشی، با روندی کارآفرینانه به کودکان آموزش داده شود تا باعث شکل‌گیری و توسعه مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه در آنان گردد.

بیان مسئله و چارچوب نظری

مطرح کردن آموزش کارآفرینی در مقطع پیش دبستان، چالش‌ها و سؤال‌های مختلفی را عنوان می‌کند. به زعم لفلر (۲۰۱۴)، زمانی که در یک موقعیت آموزشی مثل پیش از دبستان، درباره آموزش کارآفرینی صحبت می‌شود، لغت کارآفرینی به دو معنی تقسیم می‌شود: یکی لغت «Entrepreneurship» به معنی «کارآفرینی» که به کسب و کار مربوط می‌شود و دیگری لغت «Enterprising» که به افزایش «مهارت‌های کارآفرینانه» در جهت رشد فردی از قبیل: توانایی کودکان برای نوآوری و ابتکار، کشف و جستجوی فرصت‌ها، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و همدلی، اعتماد به نفس و خلاقیت اشاره دارد.

چالش و کشمکش بین این دو دیدگاه، یعنی کارآفرینی به معنای کسب و کار و دیگری کارآفرینی به معنای توسعه مهارت‌های کارآفرینانه، در تحقیقات بسیاری (لفلر ۲۰۰۶، کورهنن، کومولینن و راتی، ۲۰۱۲ و اکسلسن ۲۰۱۳، لیندستروم، ۲۰۱۳) ردیابی و نشان داده شده که کلمه «کارآفرینی» فقط دلالت ضمنی بر «دانش کارآفرینی» یا مفهوم «کسب و کار» دارد؛ در صورتی که کودکان خردسال در مراکز پیش دبستانی، می‌توانند یک «رویکرد کارآفرینانه» را پذیرفته و آن را به کار گیرند. بنابراین «یادگیری کارآفرینانه» به عنوان یک حوزه یا زمینه برآمده در آموزش کودکان پیش دبستانی مطرح شده است (اکسلسون، هوگلند و سندبرگ، ۲۰۱۵: ۴۲).

آنچه در این مقاله مد نظر است و می‌تواند مورد بحث قرار بگیرد این است که «آموزش کارآفرینی» می‌تواند برای بزرگسالان و دانش‌آموزان دوره متوسطه مطرح شود و در قالب مباحث مربوط به «کسب و کار» به آنان ارائه شود. اما آنچه در آموزش کارآفرینی به کودکان قابل بررسی است، الزاماً آموزش کسب و کار نیست، بلکه زمینه‌سازی و توسعه مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که به شکل‌گیری شخصیت کارآفرینانه در آنها کمک خواهد کرد. به عبارت دیگر آنچه در این سنین برای کودکان قابل طرح و پیگیری است، «یادگیری کارآفرینانه» از طریق «رویکردی کارآفرینانه» است. مسلماً آموزش کارآفرینی برای یادگیری کسب و کار می‌تواند به راحتی در یک مرحله آموزشی و در قالب یک موضوع مرتبط آموزش داده شود، در

صورتی که آموزش مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینی به عنوان جنبه‌ای از رشد، نیازمند برنامه‌ریزی و زمان بیشتری است (آیردال و جونز^۱، ۲۰۱۰). لذا به استناد تحقیقات مختلف (پیترمن و کندی^۲، ۲۰۰۳ و هیلبرون^۳، ۲۰۱۰) ما باید این حقیقت را عملی کنیم که آموزش مهارت‌های کارآفرینانه از طریق یک شروع زود هنگام و اولیه از دوران قبل از دبستان در قالب «رویکردی کارآفرینانه» امکان‌پذیر می‌گردد (راپوسو و دوپاکو، ۲۰۱۱). به تعبیر مک کللند^۴ ۱۹۶۱، «آموزش کارآفرینانه» باعث افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینانه در کودکان می‌شود.

به عبارت دیگر «آموزش کارآفرینانه» براساس «رویکرد کارآفرینانه»، به معنی استفاده از روش‌های یاددهی- یادگیری فعال و فراهم نمودن فرصت‌هایی است که در خلال آن ویژگی‌های رشدی کودکان از قبیل: خلاقیت، نوآوری، تمایل به کار و تلاش مستمر، کنجکاوی، پویایی و فعالیت مداوم، مثبت اندیشی، استقلال طلبی، میل به موفقیت، افزایش قدرت تحمل و مسئولیت‌پذیری و غیره توسعه یافته و تقویت می‌گردد (سبزه، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

بنابراین چنان که از این نوشتار برمی‌آید، این مقاله بر آن است با بررسی روش‌های یاددهی- یادگیری کودکان، آنها را قالب «رویکردی کارآفرینانه» متناسب با اهداف «آموزش کارآفرینانه» به عنوان یک حوزه برآمده در آموزش کودکان پیش دبستانی معرفی نماید. رویکرد آموزشی جدیدی که خط مشی آن شناسایی و تغییر روش‌های متعارف یاددهی- یادگیری کودکان، در راستای توسعه مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه است. لذا برای دستیابی به این مهم، سؤال زیر مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است:

«روش‌های یاددهی-یادگیری مطلوب در رویکرد «آموزش کارآفرینانه» به کودکان پیش دبستانی کدامند و کاربرد آن چگونه است؟»

-
1. Jones & Iredale
 2. Peterman & Kennedy
 3. Heilbrunn
 4. Mcclelland

روش پژوهش

در جستجوی پاسخ برای پرسش مذکور، از روش «نظروزی» یا «جستار نظروزرانه» استفاده شد. این روش نوعی تلفیق پژوهشی است که در آن محقق با بصیرت به جای مجموعه‌ای از قواعد آماری، از آن به عنوان ابزاری برای تلفیق و روشننگری استفاده می‌نماید (شوبرت^۱، ۱۹۹۱). در این نوع از پژوهش به زعم مهرمحمدی (۱۳۹۲) شقوق متفاوتی همچون؛ بسط اندیشه‌ای مهم و مهجور مانده در یک حوزه تخصصی؛ طرح اندیشه‌ای نو و مرزکنانه با هدف ایجاد گشایش مفهومی و یا ارائه صورت‌بندی جدید و نوآورانه از مسائل و مباحث سابقه‌دار در یک رشته یا موضوع مطرح می‌شود و محقق می‌تواند با پرداختن به این شقوق توجه جامعه علمی را به تراوش‌های فکری نوآورانه و نواندیشانه که می‌تواند قالب جستار یا تک نگاشت داشته باشد، جلب نماید (مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۴). لذا در این نوشتار، محقق با توجه به سال‌ها مطالعه و کار در حوزه آموزش کارآفرینانه به کودکان خردسال، بررسی سوابق کشورهای پیشرو در این زمینه و همچنین بررسی نظرات محققان و متخصصان حوزه مورد نظر، برآن شد با نگاشتی نظروزرانه، به طرح اندیشه‌ای جدید و نوآورانه در تغییر و ارتقاء روش‌های آموزش کودکان در راستای پرورش شایستگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه پرداخته و با مطرح کردن رویکرد «آموزش کارآفرینانه»، مطالب و مسائل مطرح شده در حوزه آموزش کارآفرینی به کودکان را در جهتی فراتر از مفهوم عامیانه کارآفرینی و کسب و کار پیش برده و توجه افراد دست اندرکار را به جنبه نوآورانه راهبردهای آموزشی موجود با رویکردی کارآفرینانه برای شکل‌گیری و توسعه شایستگی‌های کارآفرینی از دوران اولیه کودکی جلب نماید. اطلاعات مورد نیاز پژوهش حاضر با استفاده از ابزار «بررسی مستندات» جمع‌آوری شده است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از «روش» (کرسول^۲، ۲۰۱۲) بهره گرفته شده است.

1. William H. Schubert

2. Creswell

رویکرد «آموزش کارآفرینانه» در دوره پیش‌دبستانی

کودکان یادگیرندگانی فعال هستند، اگر قصد بر این باشد که رشد کودکان در همه جنبه‌های شخصیت اعم از شناختی، عاطفی، اجتماعی، کلامی، خلاقیت و غیره رشد و توسعه یابد، باید از روش‌های مختلفی که متناسب با ویژگی‌های سنی آنهاست، استفاده گردد. روش‌های یاددهی - یادگیری به دو دسته کلی، روش‌های مبتنی بر انتقال دانش به وسیله مربی یا معلم (روش‌های سنتی) و روش‌های فعال یاددهی - یادگیری تقسیم شده است. در روش‌های سنتی، عامل ارتباط بین مربی و کودکان، ارتباط کلامی است. در این روش‌ها، محور فعالیت‌های فکری و عملی کلاس، خود مربی می‌باشد که دارای اعتبار و سندیت بوده و در واقع مسئول انتقال معلومات است. از جمله روش‌هایی که در این دسته قرار می‌گیرند، می‌توان به روش‌های سخنرانی، بحث و گفتگو، تمرین و تکرار، پرسش و پاسخ و غیره اشاره کرد (شعبانی، ۱۳۸۵؛ ۲۴۰) در این روش‌ها، یادگیری رویکردی یک طرفه است که از طرف مربی هدایت می‌شود و به نظریات و علایق شخصی یادگیرندگان بهایی داده نمی‌شود. برعکس در روش‌های فعال، محور فعالیت‌ها، کودکان هستند و کلیه منابع و امکانات آموزشی برای کمک به آنان مهیا می‌گردد تا آنها را در امر یادگیری فعال‌تر نماید. از مهمترین این روش‌ها می‌توان روش‌های اکتشافی، حل مساله، مشارکتی، کاوشگری، آزمایش، بازی، گردش علمی، نمایش، ایفای نقش و غیره اشاره کرد. در این روش‌ها با تأکید بر تشکیل گروه‌های کاری، یادگیری مشارکتی، تقویت اتکاء به نفس، تنوع یادگیری و همچنین ایجاد یک محیط توأم با بازی، سرگرمی، هنر و خلاقیت در محیط آموزشی، باعث تشویق کودکان، تقویت انگیزه درونی و در نهایت حصول نتایج بهینه در یادگیری می‌گردد (یغما، ۱۳۸۴: ۵۶).

در زمینه شیوه‌های «آموزش کارآفرینانه»، محققان مختلف عقاید متفاوتی را ارائه کرده و اظهار نموده‌اند که روش‌های «آموزش کارآفرینانه» باید متناسب با ماهیت و هدف‌های آن تنظیم شود. همچنین بسیاری از محققان معتقدند از آنجا که کارآفرینی ماهیتی عملی و تجربی دارد، لذا در آموزش آن باید از روش‌های یاددهی - یادگیری فعال و کودک محور استفاده شود

تا روحیه خلاقیت و نوآوری در آنان شکوفا شود (گیب، ۱۹۹۶؛ تامپسون، ۲۰۰۴، کپر و دیگران^۱، تن^۳، ۲۰۰۶؛ واهلین^۴، ۲۰۰۸؛ جونز^۵، ۲۰۱۰؛ گابریلسون، تل و پولیتس^۶، ۲۰۱۰ به نقل از سبزه، ۱۳۹۳: ۹۵). از آنجایی که خصوصياتی مانند خلاقیت، نوآوری و خوداتکایی همزاد با کارآفرینی هستند، بسیاری از محققان این حوزه (از قبیل کرولیسکی (۱۹۷۴)، کرولیسکی و کارلسون^۷ (۱۹۹۷)، گیب (۱۹۹۸)، هایل (۱۹۹۵)، گاندری و کوئیک^۸ (۱۹۹۶) و رابیر (۱۹۹۰)^۹ کلرگیو و بین فیت^{۱۰}، ۲۰۰۷؛ گیب، ۲۰۰۵؛ جانسون، اکوهات و گیلی^{۱۱}، ۲۰۰۷؛ هانینون و پوئیکویجکی^{۱۲}، ۲۰۰۶؛ رایینسون و ملاچ^{۱۳}، ۲۰۰۷؛ بچارد و گریگور^{۱۴}، ۲۰۰۷؛ پنالونا، کواتز^{۱۵}، ۲۰۱۰؛ گابریلسون، تل و پلیتیس^{۱۶}، ۲۰۱۰؛ کلوپستن^{۱۷}، و کارلند و کارلند^{۱۸}، ۲۰۰۱) معتقدند که «آموزش کارآفرینانه» باید به شیوه‌ی پویا، فعال و تجربی آموزش داده شود. به عبارت دیگر مولفه‌های کارآفرینی اعم از دانش، نگرش و مهارت، باید در ابتدا از طریق شیوه‌های فعال یاددهی-یادگیری، توسط یادگیرندگان کاملاً احساس و تجربه شده و سپس آموخته شوند، لذا برای «آموزش کارآفرینانه» نیازمند یک «رویکرد کارآفرینانه» هستیم که متفاوت از آموزش‌های سنتی، متعارف و معمولی است که در جدول (۱) این تفاوت توسط گیب و کاتن، (۱۹۹۸) بیان شده است.

-
1. Thompson
 2. Cooper And Et Al
 3. Tan
 4. Wahlbin
 5. Jones
 6. Gabriellson, Tell, & Politis
 7. Kourilsky And Carlson
 8. Gundry And Kickul
 9. Robbier
 10. Clergeau & Schieb-Bienfait
 11. Janssen, Eeckhout, & Gailly
 12. Heinonen & Poikkijoki
 13. Robinson & Malach
 14. Béchard & Grégoire
 15. Penaluna, Coates, & Penaluna
 16. Gabriellson, Tell, & Politis
 17. Klofsten
 18. Carland & Carland

جدول (۱): مقایسه آموزش‌های سنتی با «آموزش کارآفرینانه» (گیب و کاتن ۱۹۹۸)

آموزش سنتی و غیرکارآفرینانه	آموزش کارآفرینانه
تدریس انحصاری به وسیله معلم	یادگیری دو جانبه و معلم تسهیل کننده
فراگیران منفعل و شنونده	فراگیران فعال و کنشور
یادگیری به وسیله خواندن	یادگیری از طریق تعامل بین فردی، بحث و گفتگو و انجام فعالیت
ترس از ارتکاب اشتباه	یادگیری و تجربه آندوزی از اشتباهات
تمرکز موضوعی یا کارکردی	تمرکز عملی یا چند منظوره
یادگیری از طریق ارائه بازخورد از سوی معلم	یادگیری از طریق بازخورد ارائه شده از جانب افراد مختلف
یادگیری در یک محیط مشخص و سازماندهی شده	یادگیری در محیط غیررسمی و منعطف
یادگیری از طریق یادداشت برداری	یادگیری از طریق حل مسائل
یادگیری از طریق شبکه معلمان	یادگیری از طریق کشف هدایت شده

علاوه بر گیب (۱۹۸۷: ۳۸) که معتقد است بهترین روش برای «آموزش کارآفرینانه» استفاده از بازی‌های فکری، پروژه‌ها و یادگیری به روش ماجراجویی می‌باشد، محققان دیگر نظیر (گیو و بنفیت^۱، ۲۰۰۷؛ جانسن، اکوت و گابلی^۲، ۲۰۰۷؛ لانس و گولیکرز^۳، ۲۰۱۰، جونز^۴، ۲۰۱۰؛ دامین گوئینهاس و کاروالهو^۵، ۲۰۰۹؛ ویزارت و بچلت^۶، ۲۰۰۹، راسکوارا، پیکالا، ریتکولا و سیکولا لینو، ۲۰۱۰) اشاره کرده‌اند که رویکرد یادگیری مبتنی بر انجام پروژه و حل مساله از رویکردهای مناسب برای «آموزش کارآفرینانه» هستند. در این رویکرد معلم و مربی به عنوان تسهیل کنندگان یادگیری به شمار می‌روند و کودکان به عنوان عنصری فعال در فرایند

1. Clergeau & Schieb-Bienfait
2. Janssen, Eeckhout, & Gailly
3. Lans & Gulikers
4. Jones
5. Dominginhos & Carvalho
6. Vezart & Bachelet

یادگیری نقش دارند و از طریق تجربه اندوزی به تولید اطلاعات پرداخته و به اهداف یادگیری توافق شده دست می‌یابد.

در رویکرد «آموزش کارآفرینانه» برای آموزش هر یک از خصوصیات کارآفرینانه نیازمند روش‌های یاددهی-یادگیری مختلفی هستیم که باید به آن توجه کنیم. مثلاً برای آموزش و تدریس خصوصیت کارآفرینانه‌ای مثل خوداتکایی، بهتر است از روش‌هایی مثل؛ آموزش رفتارهای مستقل، دادن تکالیف انفرادی و واگذاری مسئولیت‌های اختصاصی مختلف استفاده کرد در صورتی که برای ریسک‌پذیری می‌توان از روش‌های مشارکتی استفاده نمود (کاتن، ۱۹۹۷: ۱۴۷). بازی‌های وانمودی و تقلیدی می‌توانند به توسعه توانایی‌های مهم کارآفرینانه در کودکان کمک کرده و تمرینی عملی برای رفتارهای کارآفرینانه در آنان باشد (جانسون، ایکوت و گایلی^۱، ۲۰۰۷؛ اسمیت، کوئیکل و کلی^۲، ۲۰۱۰؛ کریر^۳، ۲۰۰۷؛ شیفرد^۴، ۲۰۰۴؛ هاینون و آکولا^۵، ۲۰۰۷؛ گابریلسون، تل و پلیتیس^۶، ۲۰۱۰؛ تانستال و لینچ^۷، ۲۰۱۰). علاوه بر این محققان مختلف تصریح کرده‌اند که یادگیری از خطا و اشتباهات و سازماندهی مجدد فرصت‌های یادگیری (گیب، ۱۹۹۳؛ ولکمن، ویلسون، ماریوتی، رایبز و سپولدا^۸، ۲۰۰۹؛ فایول^۹، ۲۰۰۷)؛ فراهم ساختن فرصت‌های مشاهده و تقلید از فعالیت‌های همسالان با هدایت مربیان در یک محیط امن یادگیری (جونز، ۲۰۱۰؛ هاینون و پوئیکیکجوقی، ۲۰۰۶؛ کوئیکل، ۲۰۰۶؛ گیب، ۱۹۹۳؛ رایبنسون و ملاح، ۲۰۰۷) نیز از جمله روش‌های مناسب برای «آموزش کارآفرینانه» ذکر شده است. در جدول (۲) به شیوه‌های مطلوب برای «آموزش کارآفرینانه» از منظر محققان مختلف اشاره شده است.

1. Janssen, Eeckhout & Gailly
2. Smith, Kickul & Coley
3. Carrier
4. Shepherd
5. Heinonen & Akola
6. Gabrielsson, Tell & Politis
7. Tunstall & Lynch
8. Volkmann, Wilson, Mariotti, Rabuzzi, Vyakarnam & Sepulveda
9. Fayolle

جدول (۲): شیوه‌های مطلوب «آموزش کارآفرینانه» از منظر محققان مختلف

ردیف	شیوه‌های تدریس کارآفرینی	محققان
۱	استفاده از روش بازی (بازی‌های وانمودی، تقلیدی، فکری و ...)	هیرش پاسک و همکاران، ۲۰۰۹؛ دوپاکو و پالینهاس، ۲۰۱۱؛ جانسون، ایکوت و گایلی، ۲۰۰۷؛ اسمیت، کوئیکل و کلی، ۲۰۱۰؛ کریر، ۲۰۰۷؛ شیفر، ۲۰۰۴؛ هانینون و آکولا، ۲۰۰۷؛ گابریلسون، تل و پلیتیس، ۲۰۱۰؛ تانستال و لینچ، ۲۰۱۰
۲	استفاده از روش مشاهده، الگوبرداری و یادگیری کودکان از یکدیگر	جونز، ۲۰۱۰؛ هانینون و پوئیکیوچی، ۲۰۰۶؛ کوئیکل، ۲۰۰۶؛ گیب، ۱۹۹۳؛ رابینسون و ملاح، ۲۰۰۷
۳	استفاده از روش تکرار و یادگیری از خطاها و اشتباهات	لی و همکاران، ۲۰۰۶؛ گیب، ۱۹۹۳؛ ولکمن، ویلسون، ماریوتی، رابیز و سپولدا، ۲۰۰۹؛ فایول، ۲۰۰۷
۴	روش حل مساله	کلرگیو و بنفیت، ۲۰۰۷؛ گیب، ۲۰۰۲؛ جانسن، اکوت و گایلی، ۲۰۰۷؛ لانس و گولیکرز، ۲۰۱۰، جونز، ۲۰۱۰؛ دامین گوئینهاس و کاروالهو، ۲۰۰۹
۵	روش انجام پروژه	گیب و کاتن، ۱۹۹۸؛ کلرگیو و بنفیت، ۲۰۰۷؛ گیب، ۲۰۰۲؛ جانسن، اکوت و گایلی، ۲۰۰۷؛ لانس و گولیکرز، ۲۰۱۰، جونز، ۲۰۱۰؛ دامین گوئینهاس و کاروالهو، ۲۰۰۹
۶	روش‌های عملی مبتنی بر کسب تجربه از موقعیت‌های واقعی زندگی	تامپسون، ۲۰۰۴، کپر و دیگران، ۲۰۰۳، تن، ۲۰۰۶؛ واهلبین، ۲۰۰۸؛ جونز، ۲۰۱۰؛ گابریلسون، تل و پولیتس، ۲۰۱۰
۷	روش‌های کودک محور، پویا و مبتنی بر فعالیت کودکان	کرولیسکی (۱۹۷۴)، کرولیسکی و کارلسون (۱۹۹۷)، گیب (۱۹۹۸)، هایلی (۱۹۹۵)، گاندردی و کوئیک (۱۹۹۶) و رابیر (۱۹۹۰) کلرگیو و بین فیت، ۲۰۰۷؛ گیب، ۲۰۰۵؛ جانسون، اکوهات و گیلی، ۲۰۰۷؛ هانینون و پوئیکیوچی، ۲۰۰۶؛ رابینسون و ملاح، ۲۰۰۷؛ بچارد و گریگور، ۲۰۰۷؛ پنالونا، کواتز، ۲۰۱۰؛ گابریلسون، تل و پلیتیس، ۲۰۱۰؛ کلوستن، ۲۰۰۰ و کارلند و کارلند، ۲۰۰۱؛ تامپسون، ۲۰۰۴، کپر و دیگران، ۲۰۰۳، تن، ۲۰۰۶؛ ۱۳۸۹؛ واهلبین، ۲۰۰۸؛ جونز، ۲۰۱۰؛ گابریلسون، تل و پولیتس، ۲۰۱۰
۸	روش‌های مبتنی بر هنر و خلاقیت	آراستی، قدوسی و باقری، ۱۳۹۵؛ سبزه، ۱۳۹۴؛ صفاران و خسروانی زنگنه، ۱۳۹۴

طبقه‌بندی روش‌های آموزش کودکان پیش‌دبستانی در رویکرد «آموزش کارآفرینانه»

با توجه به این که هدف مقاله حاضر معرفی روش‌های «آموزش کارآفرینانه» به کودکان پیش دبستانی در قالب یک رویکرد جدید است و همچنین با اذعان به این مطلب که یادگیری کارآفرینانه به عنوان یک نوع سرمایه‌گذاری در توسعه توانمندی‌های کودکان از طریق آموزش به شمار می‌رود و نقش کلیدی در رشد و توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور در آینده دارد؛ بنابراین بسترسازی و به کارگیری رویکرد «آموزش کارآفرینانه» از دوران اولیه کودکی، باعث شکل‌گیری منش‌های خلاق و مستقل در همه زمینه‌های زندگی کودکان و به تعبیر مک کلند (۱۹۶۱) باعث توسعه یک نگرش و سبک زندگی کارآفرینانه در کودکان می‌شود.

واضح است که برای اتخاذ یک رویکرد کارآمد برای «آموزش کارآفرینانه» به کودکان، باید از فرضیات و نظریه‌های مختلف یادگیری که قابل استفاده در توسعه این رویکرد هستند، درک کامل و درستی داشت. لذا با مطالعه و بررسی نظریه‌ها، تحقیقات و رویکردهای آموزشی^۱ مرسوم در حوزه آموزش کودکان پیش دبستانی - و با توجه به اهداف «آموزش کارآفرینانه» به کودکان مبنی بر حمایت از رشد کودکان در راستای تقویت قوه تخیل، انعطاف‌پذیری و تحمل، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، تمرکز، تقویت نگرش توانستن و انجام دادن، افزایش قدرت حل مساله با تفکری خلاق و به دست آوردن شایستگی‌های اجتماعی جهت برقراری روابط مطلوب با دیگران- از نظریه‌های اندیشمندان بزرگ تعلیم و تربیت به عنوان مبنا و اصول آموزش استفاده شده است. از جمله نظریه‌های حاکم بر این رویکرد آموزشی، می‌توان به نظریه‌های یادگیری تجربی جان دیویی (1982)، رشد شناختی برونر (۱۹۶۱)، تحول‌نگر ژان پیاژه (۱۹۸۰)، طبیعت‌گرایی روسو (۱۷۷۸)، خودشکوفایی مازلو (۱۹۵۴) اشاره و به آنان استناد نمود. رویکرد «آموزش کارآفرینانه» رویکردی است مبتنی بر مبانی فرضیه‌های شناختی، تحول‌نگر و انسان‌گرایانه که با ویژگی‌های رشدی کودکان پیش‌دبستانی، ماهیت و اهداف «آموزش کارآفرینانه» سازگاری دارد و برخلاف رویکرد سنتی و معمولی یاددهی-یادگیری، «یادگیری

۱. رویکردهای اسکوپ، رویکرد مونته سوری، رویکرد والدورف، رویکرد انتاریو، رویکرد رجبو امیلیا و...

کارآفرینانه» همه سطوح اهداف یادگیری شناختی (بلوم و همکاران^۱، ۱۹۵۶) اعم از دانش درک مطلب، کاربرد، تجزیه و تحلیل و ارزیابی را فرا می‌گیرد.

با توجه به مبانی و نظریه‌های حاکم بر این رویکرد و همچنین با استناد به تحقیقات صورت گرفته در خصوص روش‌های تدریس مطلوب برای «آموزش کارآفرینانه» که در جدول شماره (۲) به آن اشاره شد، در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، روش‌های یاددهی-یادگیری مطلوب در رویکرد «آموزش کارآفرینانه» برای کودکان پیش دبستانی به سه دسته اصلی تقسیم شده است؛

دسته اول: روش‌های یاددهی-یادگیری مبتنی بر بازی و فعالیت کودک،

دسته دوم: روش‌های یاددهی-یادگیری مبتنی بر انجام پروژه، کسب تجارب مبتنی بر زندگی واقعی، اکتشاف و کاوشگری،

دسته سوم: روش‌های یاددهی-یادگیری مبتنی بر خلاقیت و هنر انتخاب و تنظیم شده است.

مدل نظری روش‌های یاددهی-یادگیری مطلوب در رویکرد «آموزش کارآفرینانه»، به طور خلاصه در تصویر زیر ارائه شده است.



1. Bloom & Et.Al

رویکرد «آموزش کارآفرینانه» در مقام اجرا می‌تواند منطبق با محتوا و موضوعات آموزشی مختلف اعم از مفاهیم ریاضی، علوم، اجتماعی، دینی و اخلاقی، بهداشتی و غیره به کار گرفته شود. برای مثال در ارائه یک موضوع آموزشی واحد به کودکان (مانند حیوانات، گیاهان، پوشاک، خوراکی‌ها، وسایل نقلیه، رنگ‌ها و غیره)، اهداف آموزشی هر یک از موضوعات متناسب با سن و ویژگی‌های رشدی کودکان تعیین شده و با استفاده از روش‌های یاددهی-یادگیری مختلفی، از زوایای مختلف بدان پرداخته می‌شود تا کودکان در پایان واحد آموزشی به اهداف تعیین شده دست یابند. تغییراتی که با به کارگیری رویکرد «آموزش کارآفرینانه»، در آموزش هر یک از موضوعات آموزشی اعمال خواهد شد، شامل فرآیندی خواهد بود که در طی آن، علاوه بر دنبال نمودن اهداف آموزشی حول هر یک از موضوعات آموزشی و همچنین توجه به اهداف رشدی و تحولی کودکان در هر یک از گروه‌های سنی؛ مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینانه نیز مورد توجه قرار گیرد^۱.

این امر باعث می‌شود هر کدام از روش‌های یاددهی-یادگیری به طور فعال و پویا، با رویکردی کارآفرینانه به کار گرفته شوند و در پی به کارگیری رویکرد «آموزش کارآفرینانه»، علاوه بر یادگیری مفاهیم آموزشی؛ «یادگیری کارآفرینانه» و شایستگی‌های مرتبط با آن نیز محقق شود.

این رویکرد علاوه بر این که از رشد همه جانبه کودکان حمایت می‌کند، در تلاش است تا شایستگی‌های کارآفرینانه از قبیل، استقلال فکری، توفیق طلبی، اعتماد به نفس، یادگیری فعال و نگرش توانستن و انجام دادن را در کودکان پی‌ریزی و دنبال نماید.

۱. برای مثال با استفاده از روش بازی کودکان را تشویق نمایید تا یکی از وسایل و اشیایی را که در اطراف آنها وجود دارد، انتخاب نمایند مانند لیوان، صندلی و غیره. سپس کودکان را تشویق نمائید تا شروع به ایده‌پردازی نمایند و استفاده‌های دیگری را برای شیء انتخابی خود ذکر نمایند. برای افزایش ایده‌های خلاقانه، از قوانین حاکم بر جلسات بارش فکری استفاده نموده و با مطرح کردن سؤال «دیگه به چه کاری میاد؟» یا «استفاده‌های دیگه؟» آنان را تشویق نمایید آزادانه ایده‌های نامعمول، عجیب و غیرمعمول را بیان نمایند. پس از اتمام جلسه ایده‌پردازی کودکان را راهنمایی کنید تا ایده‌های ارائه شده را در قالب نقاشی یا کاردستی، عملی نموده و آن را به دیگر دوستان و یا والدین خود ارائه نمایند. فعالیت‌های مشابه، علاوه بر این که تفکر خلاق کودکان را گسترش می‌دهد، باعث ترغیب آنها به ایده‌پردازی و استفاده از ایده‌ها در راستای فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شود.

رویکرد «آموزش کارآفرینانه» با پیگیری موضوعاتی که از علائق و زندگی واقعی کودکان گرفته شده است، کودکان را ترغیب می‌کند تا در مورد آنچه که باید انجام دهند و چگونگی انجام آن تصمیم بگیرند. همچنین آنان را قادر می‌سازد اهداف شخصی را بشناسند، مسائل را تعریف و حل نمایند، انضباط فردی و مسئولیت‌پذیری را تمرین نمایند و در انجام هر فعالیت یا سرگرمی این ویژگی‌ها را تجربه کرده و با آن پرورش یابند.

همچنین یکی از ابعاد اصلی این رویکرد آموختن «مهارت زندگی و کار موفق با دیگران» است به طوری که قادر به انجام فعالیت‌های گروهی شوند، پروژه‌های کوچک گروهی را برنامه‌ریزی کرده و تجربیات مربوط به رهبری مشترک را پیگیری نمایند و در این فرایند ویژگی‌های کارآفرینانه مربوط به درک افکار و احساسات دیگران، سعه صدر در شنیدن دیدگاه‌ها و رفتارهای دیگران را در خود پرورش دهند.

برای به کارگیری رویکرد «آموزش کارآفرینانه» در امر آموزش کودکان، باید فضای مناسب آن نیز به وجود آید. این فضا به تعبیر لودویکس^۱ (۱۹۹۵)، باید واجد شرایط زیر باشد:

- فضایی عملی که در آن کودکان بتوانند آزادانه اطلاعات را به صورت عملی و تجربی کسب نمایند.
 - مستلزم انجام فعالیت فراوان باشد.
 - واقعی باشد، به گونه‌ای که فراگیران خود را در یک فضای عینی و بیرونی احساس کنند،
 - نقش بازی در آن فراوان باشد و کودکان را تشویق به یادگیری و مسئولیت‌پذیری نماید.
- لازمه ایجاد چنین فضایی، علاوه بر در نظر گرفتن موارد ذکر شده، فراهم نمودن وسایل و تجهیزات مناسب، کاربردی و نمونه‌های واقعی از ابزارها و اقلام طبیعی و برگرفته از زندگی کودکان است که این امکان را به آنان می‌دهد که در برنامه‌ریزی روزانه، فرصت‌های متعددی برای کار با وسایل و تجهیزات را داشته باشند و ضمن انجام فعالیت‌های مستقل و آزاد، علائق فردی خود را کشف نموده و پروژه‌های منتخب خود را طرح‌ریزی و برای حل مشکلات خود، فکورانه تلاش کنند. در چنین فضایی، علاوه بر مواجهه فردی کودکان با وظایفی که بر عهده

1. Lodewijks

گرفته‌اند، امکان گفتگو، تعامل و انجام فعالیت‌های گروهی با همراهی مربیان و سایر کودکان نیز میسر شده و آنها را با خواسته‌ها و علایق دیگران نیز آشنا می‌کند.

در رویکرد «آموزش کارآفرینانه» محتوای برنامه در راستای کسب مهارت‌های اصلی رشد و تکامل آنها و همچنین کسب مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینانه توسط کودکان، تنظیم و سازماندهی می‌شود. معلمان و مربیان، با توجه به این مهارت‌ها، از آنها به عنوان چهارچوب ادراکی مورد نیاز برای طراحی کار و فعالیت‌های روزانه کودکان استفاده می‌کنند. سهم بودن کودکان در فرایند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های مختلف یادگیری، شرط مهمی در «یادگیری کارآفرینانه» به حساب می‌آید. چنانچه بوت، دنیل و یولمی بی^۱ (۲۰۱۲) رعایت چهار گام اصلی زیر را در رویکرد «آموزش کارآفرینانه» الزامی دانسته‌اند:

گام اول: به دست آوردن شناخت کافی از علایق، نیازها و توانمندی‌های کودکان
گام دوم: چهارچوب‌بندی یادگیری‌های کودکان از طریق تعاملات حمایت کننده
گام سوم: ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری که بر اساس علایق کودکان ساخته شده است و
گام چهارم: نظارت بر پیشرفت کودکان در جهت دستیابی به اهداف مهم و پیش‌بینی شده است.

اگر در رویکرد «آموزش کارآفرینانه»، زندگی واقعی کودکان به عنوان مبنای فعالیت‌های یاددهی-یادگیری مورد توجه قرار گیرد، انگیزه و نیروی یادگیری در کودکان دو چندان شده (پپین^۲، ۲۰۱۲) و این امکان برای کودکان به وجود می‌آید که با دیدن فرصت‌ها، به جای مشکلات، به خوبی توانمندی‌های خود را از طریق بازخوردهایی که دریافت می‌کنند، افزایش دهند.

در این رویکرد، معلمان و مربیان از عناصر اصلی موفقیت به شمار می‌روند. مربیان و معلمان توانمندی که به فعال بودن و سهم بودن کودکان در فرایند یادگیری و سازماندهی آن در جهت آموزشی کارآفرینانه بها داده (کوپمن، هامر و هکرت، ۲۰۱۳)؛ فرصت‌هایی برای انجام کارگروهی و مشارکت کودکان با یکدیگر، در چهارچوبی منظم و هدف‌مند فراهم نمایند (فالک، لاندکویست، هالبرگ، فلر و اسودبرگ، ۲۰۱۱) و بتوانند به صورت نظام‌مند به میزان

1. Mary B.Boat, Laurie A.Dinnebeil And Youlmi Bae

2. Pepin

۷۵

آگاهی‌های کودکان از توانایی‌های خود توجه نموده و آنها را قادر سازند پیشرفت‌های خود را در زمینه‌های مختلف مشاهده نموده و ارتقاء دهند. همچنین از راهکارهای متنوع از قبیل؛ مستند کردن، یادداشت برداری و مشاهده مستقیم برای ارزشیابی میزان پیشرفت کودکان و دستیابی به یادگیری کارآفرینانه استفاده نمایند.

سخن پایانی این که، رویکرد «آموزش کارآفرینانه» می‌تواند به راحتی از سنین قبل از دبستان در کلیه محیط‌های رسمی و غیررسمی آموزشی، توسط کلیه افرادی که در تربیت کودکان نقش دارند، مورد استفاده قرار گیرد. لذا شروع و نحوه به کارگیری این رویکرد در آموزش کودکان متفاوت خواهد بود. این شروع می‌تواند با شکل‌گیری انگیزه در آنها همراه باشد و از کارهای ساده‌ای مانند تمیز کردن اتاق خود و علاقمندی در انجام این امور شروع شده و به اغلب بخش‌های زندگی آنها راه یابد به طوری که حس کاوش در آنان ترغیب شده و مسئولیت‌پذیری و خوداتکایی در کلیه فعالیت‌های آنها نمایان گردد. این امر به نوعی گام مهمی در گسترش توانمندی‌های کودکان در حیطه دانش، نگرش و مهارت‌های کارآفرینانه به شمار می‌آید و می‌تواند به تدریج آنچه را که لازمه زندگی کنونی و بزرگسالی کودکان است، مدنظر قرار داده و فراهم نماید. مسلماً اتخاذ چنین رویکردی در امر آموزش کودکان می‌تواند به تعبیر گستین (۲۰۱۱)، آنها را به رهبرانی قوی، سالم و حل‌کنندگان برتر مسائل و مشکلات در مراحل مختلف زندگی تبدیل نموده و کیفیت زندگی آنها را بهبود بخشد.

پیشنهاد‌های عملیاتی:

- بر اساس مباحث مطرح شده در این مقاله پیشنهاد می‌گردد:
- در تحقیقات آتی، ابعاد رویکرد آموزش کارآفرینانه به تفصیل مورد بررسی و تشریح قرار گیرد.
 - با توجه به نقش خطیر مربیان و معلمان در عملیاتی و اجرایی نمودن رویکرد پیشنهادی؛ دوره‌هایی جهت آشنایی و ترغیب آنها جهت به کارگیری رویکرد «آموزش کارآفرینانه» ترتیب داده شود.
 - بر اساس رویکرد مطرح شده، پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران علاقمند این رویکرد را به کار گرفته و نتایج عملی از اجرای آن را در قالب مستندات ارائه نمایند.

- در تحقیقات آتی به بررسی و تعیین جایگاه والدین و نقش آنها در رویکرد آموزش کارآفرینانه و شیوه‌های تعامل و همسویی با مربیان و معلمان و اهمیت آنها در موفقیت این رویکرد پرداخته شود.
- پیشنهاد می‌گردد از رویکرد فوق در غنی‌سازی برنامه درسی مدارس ابتدایی، در جهت شکل‌گیری صلاحیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان نیز استفاده گردد.

منابع

- آراستی، زهرا؛ قدوسی، سمیرا و باقری، افسانه (۱۳۹۵). تأثیر آموزش کارآفرینی از طریق روش داستان سرایی بر نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. مجله توسعه کارآفرینی، دوره ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵. صص ۵۹۳-۶۱۲.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۹۰)، یادگیری خلاق، کلاس خلاق، تهران: مدرسه
- حسینی خواه، علی؛ سلیمی، جمال و رستگار، احمد (۱۳۸۶). آیا می‌توان کارآفرینی را آموزش داد؟ ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کارو جامعه، شماره ۸۹ و ۹۰. آبان و آذر. صص ۴۲-۴۹.
- سبزه، بتول (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان. فصلنامه مطالعات پیش دبستان و دبستان، سال اول، شماره اول، پاییز ۹۴.
- صفاران، الیاس و خسروانی زنگنه، مریم (۱۳۹۴). تأثیر آموزش هنر در رشد خلاقیت، نوآوری و ارتقای سطح مهارت‌های کارآفرینی کودکان پیش دبستانی (نمونه موردی کودکان مقطع پیش دبستانی) (فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین علمی و پژوهشی، ویژه نامه چهارمین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی. دانشگاه پیام نور مرکز خوانسار. ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵. صص ۷۹-۹۲)
- کرسول، جان (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی‌فرد، حسین کاظمی. تهران: انتشارات صفار.
- گروه آموزشی سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان جهاد دانشگاهی (۱۳۸۶)، نقش آموزش‌های اولیه در توسعه و پرورش مهارت‌های کارآفرینی. قابل دسترسی در سایت [www. Jobiran.ir](http://www.Jobiran.ir)
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). جستارهای نظرورزانه در تعلیم و تربیت، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز نشر آثار علمی.



یغما، عادل (۱۳۸۴). کاربرد روش‌ها و الگوهای تدریس. تهران: مدرسه یوسفی، ناصر (۱۳۸۹)، رویکردهای آموزشی در کاربا کودکان خردسال، تهران: شرکت سهامی انتشارات کارگاه کودک.

Axelsson, Hagglund & Sandberg. (2015). Entrepreneurial Learning in Education Preschool as a Take-Off for the Entrepreneurial Self. *Journal of Education and Training*, ISSN 2330-9709 2015, Vol. 2, No. 2. Pp 40-58 <http://www.macrothink.org/jet>

Bourgeois .Ania, (2012). Entrepreneurship Education at School in Europe. National Strategies , Curricula and Learning Outcomes. published by the Education, Audiovisual and Culture Executive Agency

Boat, Mary B. Laurie A. Dinnebeil and Youlmi Bae: (2012) Individualizing Instruction In Preschool Classrooms. *Journal Dimensions of Early Childhood*. Winter 2012, Volume 38, Number 1 .

Commission of the European Communities, CCE (2006). (Implementing the Community Lisbon Programme: Fostering entrepreneurial mindsets through education and learning. Communication from the Commission to the Council, the European Parliament, the European Economic and Social Committee and Committee of the Regions. Retrieved from <http://eur-Lex.europa.eu>

Cope, J. (2005). Toward a dynamic learning perspective of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29 (4), 373-397. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1540-6520.2005.00090.x>

Ehrlin, Anna ,Insulander, Eva & Anette Sandberg(2015); Perspectives on Entrepreneurial Learning in the Early Years of Education ; *Journal of Education and Human Development* September 2015, Vol. 4, No. 3, pp. 151-159

Fuchs, K., Werner, A., & Wallau, F. (2008). Entrepreneurship education in Germany and Sweden: what role do different school systems play? *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 15 (2), 365-381. <http://dx.doi.org/10.1108/14626000810871736>

Gastin, Mike. (2011) Eight Reasons to Teach your Child Entrepreneurship. available on [www. MikeGastin.com](http://www.MikeGastin.com) .on 16 Jun.

Gibb, A. and Cotton, J (1998). Entrepreneurship in schools and college education- creating the leading edge, Background paper to conference to be held at the Department of Trade and Industry conference Center, December, 8th 1998.

- Heilbrunn, S. (2010). Advancing entrepreneurship in an elementary school: A case study. *International Education Studies*, 3 (2), 174-184. <http://dx.doi.org/10.5539/ies.v3n2p174>
- Huber, Laura Rosendahl; Sloof ,Randolph; Praag, Mirjam Van. (2012). The Effect of Early Entrepreneurship Education: Evidence from a Randomized Field Experiment. *ZA Discussion Paper No. 6512* pp 4 – 35.
- Johannisson, B. (2010). The agony of the Swedish school when confronted by entrepreneurship. In K. Skogen, & J. Sjøvoll (Eds.), *Creativity and Innovation: Preconditions for Entrepreneurial Education*. Trondheim: Tapir Academic Press.
- Jones, B., & Iredale, N. (2010). Enterprise education as pedagogy. *Education + Training*, 52 (1), 7-19. <http://dx.doi.org/10.1108/00400911011017654>
- Koopman, Ruud, Hammer, Matthijs and Hakkert, Arjan (2013). Teaching teachers in effectual entrepreneurship. In: 2nd Effectuation conference, June 3rd & 4th.
- Lindstrom, L. (2013). What Do Children Learn at Swedish Preschools? *International Education Studies*, 6 (4), 236. <http://dx.doi.org/10.5539/ies.v6n4p236>
- Leffler, E. (2014). Enterprise Learning and School Subjects – A Subject Didactic Issue? *Journal of Education and Training*, 1 (2), 15-30. <http://dx.doi.org/10.5296/jet.v1i2.5194>
- Lodewijks, J. (1995), Learning in the around school: on the road strong learning environments. In: Verwajen-Leijh, R and F. stu 26
- Peterman, N. E., & Kennedy, J. (2003). Enterprise education: Influencing students' perceptions of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28 (2), 129-144. <http://dx.doi.org/10.1046/j.1540-6520.2003.00035.x>
- Pepin, M. (2012). Enterprise Education: A Deweyan perspective. *Education + Training*, 54, 801-812.
- Raposo, Mário and do Paço Arminda (2011) *Entrepreneurship education: Relationship between education and entrepreneurial activity* .*Psicothema* 2011. Vol. 23, no 3, pp. 453-457 .www.psicothema.com
- Skolverket. (2011). Curriculum for the compulsory school, preschool class and the leisure-time centre 2011 Stockholm: Skolverket. Retrieved from <http://www.skolverket.se/om-skolverket/visa-enskild>
- Seikkula, Leino, J. (2011). The implementation of entrepreneurship education through curriculum reform in Finnish comprehensive schools.

- Journal of Curriculum Studies, 43 (1), 69-85.
<http://dx.doi.org/10.1080/00220270903544685>
- Sidhu, I., Johnsson, C., Singer, K., Suoranta, M. (2015). A Game-Based Method for Teaching Entrepreneurship for teaching entrepreneurship. *Applied Innovation Review*, Issue 1, June 2015.
- Sarikaya, M. Coskun, E. (2015). A New Approach in Preschool Education: Social Entrepreneurship Education. *Procedia – Social and Behavioral Sciences* 195 (2015) 888- 894. Available online at www.sciencedirect.com.
- Juvova, A. Cech, T & Duda, O. (2017). Education for Entrepreneurship- A challenge for School Practice. *Acta Educationis Generalis*, Volume 7 , 2017, issue 3, pages 63- 75.
- Ruskovara, E., Pihkala, T., Rytkola, T., & Seikkula-Leino, J. (2010) Studying Teachers Teaching Methods and Working Approaches in Entrepreneurship Education. In *Proceedings of the 7th ESU Conference 2010 Aug 22*.